**عنوان مقاله: در ضرورت روش**

**نويسنده : جعفریان، رسول**

در باره مسأله روش‏هاى پژوهش در تاریخ چند نکته را باید یادآور شویم:

نکته اول آن است که اساساً پیشرفت و تحقیق یک زمینه علمى، حرکتى تدریجى است؛ چنان که امروز بعد از بیست و چهار ـ پنج سال که از انقلاب اسلامى گذشته، در مجموعه حوزه علمیه، شاهد نوعى پیشرفت تدریجى در رشته‏هاى تخصصى از جمله رشته تاریخ هستیم. بى تردید بایستى عرض کنیم که در آغاز راه هستیم و به رغم همه زحماتى که هم از سوى طلاب و هم از سوى اساتید فن در زمینه تاریخ صورت گرفته (به دلیل تدریجى بودن) هنوز راه درازى در پیش داریم. روشن است که در هیچ جاى دنیا، انقلاب علمى یکشبه و یکساله صورت نمى‏گیرد. اکنون خوشحالیم که پس از بیست و پنج سال به فکر افتادیم تا براى روش تحقیق در تاریخ در حوزه علمیه، فکرى کرده و چاره‏اندیشى کنیم.

در پیشرفت و تکامل یک علم، نکته‏اى که از نظر ما کلید کار محسوب مى‏شود، بحث روش تحقیق است؛ چرا که روش تحقیق در حقیقت پل ارتباطى بین آموزش و پژوهش است. تا وقتى که با جدیت به امر روش تحقیق پرداخته نشود، انتظار تغییر و تحول بیهوده است. ما در گذشته در این اندیشه بودیم که طلبه و عالم روحانى ما خوب حرف بزند، بنابراین روى خطابه کار مى‏کردیم. به همین دلیل، در منطق به محتواى خطابه و نوع استدلال‏هاى رایج در آن پرداخته مى‏شد و روش‏هاى استدلال تعلیم داده مى‏شد، ولى امروز که دایره کار ما وسیع‏تر از خطابه و سخنرانى است، متأسفانه روى روش‏ها کمتر کار مى‏کنیم و همین امر سبب پایین آمدن سطح علمى کارهاى ما شده است. مشکل عمده این است که درس روش تحقیق جدى گرفته نمى‏شود، روش‏هاى پژوهش شناخته شده نزد علماى پیشین مورد کنکاش قرار نمى‏گیرد، نظارت دقیقى در سبک و سیاق کارهایى که نوشته و منتشر مى‏شود اعمال نمى‏شود و نقادى‏هاى جدى هم از زاویه روش‏شناسانه روى پژوهش‏ها و تألیفاتى که به انجام مى‏رسد، صورت نمى‏گیرد. مسلماً اگر ما بتوانیم این روش‏ها را بهبود ببخشیم، اصول پژوهش را منظم کنیم و چارچوبه کار پژوهشى را راحت‏تر به دانشجویان و طلاب خودمان آموزش دهیم، کارهایى که تولید خواهد شد، به لحاظ کیفى کارهاى بهترى خواهد بود.

نکته دوم آن است که بحث از روش یک بحث بى طرفانه کامل نیست. اصولاً روش‏ها به ویژه در برخى از زمینه‏ها تا حدودى تابعى از فلسفه حاکم بر اندیشه افرادى هستند که در فرهنگى خاص و تمدنى ویژه تربیت شده‏اند.

ما در بحث‏هاى روش‏شناسى در علوم اجتماعى همیشه در معرض این مسأله هستیم که روش‏هاى حاکم بر کار ما صرفاً پوزیتیویستى و به طور کلى تابعى از اندیشه‏هاى مدرن باشد. براى این که ما در این باره قدرى مصون بمانیم و بدانیم دقیقاً چه مى‏کنیم، تلاش داریم تا ابتدا مرورى بر داشته‏هاى علمى خودمان در تمدن اسلامى داشته باشیم.

بدون تردید، علم تاریخ یکى از نیرومندترین علومى بوده است که در تمدن اسلامى بدان توجه شده است.

نشانه آن هم پدید آمدن کارهاى سترگ عالمانه و دقیقى بوده که در این حوزه از اندیشه علمى به وجود آمده است.

تاریخ در تمدن اسلامى، با نگاهى عالمانه نوشته شده و به دور از خرافه و گزافه گویى بوده است. در این صورت باید روش‏هایى براى پژوهش در بین بوده باشد که متفکران مسلمان با استفاده از آن‏ها خود را از پیچ و خم تحریفات نجات داده و به واقع مى‏رساندند، یا دست کم تلاش مى‏کرده‏اند تا با اعمال روش‏هایى به نقطه‏اى برسند که با واقعیت برخورد کنند.

این مسأله سبب شد تا ما در مجموعه حاضر، بخش عمده کار را روى بازشناسى روش‏هاى پژوهش در تاریخ، در میان آثار بر جاى مانده از متفکران اسلامى متمرکز کنیم. این متفکران لزوماً مورخ نیستند، بلکه بسیارى از آن‏ها متکلمانى هستند که در جریان دفاع از عقاید دینى و مذهبى خود تلاش کرده‏اند تا در برابر تاریخ هم پاسخگو باشند؛ زیرا بسیارى از آن‏چه تاریخ گزارش کرده است، با معتقدات آن‏ها مطابقت ندارد. از این رو تلاش کرده‏اند به نقد این بخش از تاریخ بنشینند و در نتیجه تجربه‏اى را به لحاظ پژوهشى فراهم کرده‏اند که ما مى‏توانیم از آن‏ها بهره بگیریم.

بنابراین، ما تلاش کردیم در این مجموعه، روش مورخان و متفکران پیشین را در نقد خبر مورد توجه قرار دهیم.

نقد خبر تنها در میان مورخین نبوده است، چرا که علم تاریخ، علمى داخل در مجموعه علوم شریعت بوده و لذا با علم کلام آمیخته شده است.

ممکن است کسى بگوید این مسأله از جهاتى عیب کار تاریخنگارى اسلامى بوده است، ولى از جهاتى باید گفت محاسنى هم داشته است، براى این که قوه دراکه عقلى کوشش کرده است تا معیارهاى دقیقى را براى سنجش اخبار تاریخى به کار گیرد. ما با همین نگرش، روى روش‏هاى پژوهش در آثار قدما تأمل مى‏کنیم و پس از آن به ابتکار و خلاقیت روى مى‏آوریم، چرا که ما براى تولید فکر و علم، مى‏باید روى دارایى‏ها و داشت‏هاى گذشته خودمان تکیه کرده و کار جدید تولید کنیم. لازمه این کار این است که ببینیم چه میراثى در اختیار داریم.

در مقالات حاضر مى‏توان اهمیت بحث روش را نزد پیشینیان دریافت. نظریه طبع در نگاه جاحظ، بحث از متشابهات و محکمات در متون تاریخى از نگاه سید مرتضى، تحقیقات آمارى و موردى در نوشته‏هاى ابن حزم، نمونه‏هایى است که نشانگر این اهمیت مى‏باشد.

در جمع، این توجیه سبب شد تا ما بخش عمده‏اى از مقالات را به بررسى روش‏هاى پژوهش عالمان قرون اولیه اسلامى اختصاص دهیم. در این باره بر این اعتقاد هستیم که باید همین روش در باره سنجش روش‏هاى موجود در میان مورخان معاصر هم اعمال شود و به همین دلیل، دو سه موردى هم در این زمینه تحقیق شد. این تجربه نشان داد که نکات جالب و قابل توجهى از متون پیشینیان به دست مى‏آید و ما مى‏توانیم براى روش‏شناسى روى آن‏ها حساب کنیم. به علاوه در نقد و ارزیابى آن روش‏ها و روش‏هاى جدید، مى‏توانیم نوعى تجربه روش شناسانه به دوست‏داران تاریخ منتقل کنیم. این کارى است که باید نسبت به آثار مورخان برجسته صورت داد و با کنکاش در آثارشان، روش تحقیق آنان را استخراج کرد. بعد از آن که شمار زیادى از این قبیل پژوهش‏ها آماده شد، بر اساس آن‏ها مى‏توان کلیاتى را در امر روش‏شناسى استخراج کرده و به صورت یک متن درسى آماده نمود.

نکته سوم آن است که جهت‏گیرى ما در این مباحث بیشتر نقد خبر است نه نقد تحلیل‏ها و گزارش‏هاى عمومى.

خبر پایه گزارش و تحلیل عمومى است و تا وقتى که اخبار دقیقى در اختیار نباشد، نمى‏توان به جایى رسید. البته توافق اخبار کلى در باره یک حادثه و سامان آن هم مى‏تواند روشى براى ارزیابى باشد، اما پیش از آن و در مرتبه نخست کار، نقد خبر اهمیت دارد. تکیه ما در مباحث این مجموعه آن است تا به روش‏هایى که به نقد خبر مى‏پردازد برسیم. در این زمینه مى‏توان نوآورى‏ها و ابتکارهاى دیگرى هم با استفاده از روش‏هاى شناخته شده در زمینه نقد خبر داشت. بحث از حجیت خبر واحد و اساس تعریف خبر واحد و متواتر و مستفیض و به طور کلى بحث‏هاى مربوط به درایه، مسائلى است که تا کنون در علم تاریخ کمتر مورد استفاده و کنکاش قرار گرفته است.